

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۱ • ۱۷ ربيع‌الثانی ۱۴۴۴ • ۱۲ نوامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۱۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۱۹
اذان صبح فردا ۵:۱۱ • طلوع آفتاب ۶:۳۸

# سرتق

**فوری - دیوید آبر- ۲۰۱۸**

وارددی (براد بیت): آرمان‌ها صلح آمیزند. تاریخ، خشونت‌باره. یادت باشه زندگی مثل جنگ می‌مونه؛ یا باید به بار بجنگی یا تا آخر عمر مجبوری فرار کنی!

و تو آگه واسه چیزی که می‌خوای نمی‌جنگی، برای چیزی که از دست می‌دی گریه نکن!

فراموش نکن در جهان در مقابل تمام مشکلات تنها هستی و هیچ‌کس حتی عزیزترین کسانت به کمکت نمی‌آیند!

**دیالوگ روز**

### شهرهایی که جام جهانی را ندیدند



زهرا نژادبهرام

ملی‌پوشان فوتبال ما توانستند با زحمت فراوان بار دیگر در جام جهانی حضور داشته باشند. این باعث افتخار مردم و کشورمان در شرایط عادی است. تمام شهرهای جهان وقتی تیم‌های ملی‌شان وارد جام جهانی می‌شوند به شکل‌های مختلف این رویداد و اتفاق را مورد توجه قرار می‌دهند؛ از قراردادن تصاویر اسطوره‌های فوتبال در سطح شهر تا آذین‌بندی و تبلیغات و تابلوهایی برای گرامیداشت و یادآوری خاطرات خوش گذشته. این پدیده بسیار مهمی است که تیم فوتبال کشوری بتواند در جام جهانی شرکت کند و در مورد ایران که قرار است در برابر تیم‌هایی مثل انگلیس و آمریکا بازی کند، ورزشکاران ما نیاز به حمایت دارند.

اما با وجود فاصله اندکی تا آغاز جام جهانی، ما در شهرمان نشانه‌هایی از توجه به این اتفاق و فرصتی برای گرامیداشت تیم ملی فوتبال نمی‌بینیم. انکار که شهر ما تهی از علائمی برای بزرگداشت حضور در جام جهانی است، تهی از تصاویر اعضای تیم ملی است؛ آن هم در شهرهای کشور ما که فوتبال در میان دختران و پسران بیش از هر ورزشی علاقه‌مند و پیام‌دار دارد. بی‌توجهی به این رویداد جهانی می‌تواند به نوعی نشانگر نبود ارتباط بین مدیران و مردم باشد؛ به‌ویژه در این شرایط سخت که شهرها و کشور ما به نوعی در اعتراض به سر می‌برند و در جای‌جای شهر اعتراضات اجتماعی انجام شده است.

وجود نشانه‌ها و نمادهایی از فوتبالیست‌های حاضر در جام جهانی در شهر می‌تواند فرصتی برای برقراری ارتباط بین همشهریان و هم‌وطنان باشد و پیام‌هایی از امید را در بین شهروندان ایجاد کند. متأسفانه تا کم‌توجهی به این امر، به نظر می‌رسد شهر به سوی سکون رفته و نه راهی به پیش می‌برد و نه راهی برای اصلاح در نظر دارد. هرچند مردممان در شرایط روحی خوبی به سر نمی‌برند و کشورمان در غم از دست دادن عزیزانش است، اما شاید توجه به چنین رویدادی بتواند کمی حال عمومی را بهتر کند و نمایش تصاویر اسطوره‌های فوتبال بتواند همدلی بین مردم را بیشتر کند.

به نظر می‌رسد توجه به این دوره جام جهانی و این رویداد مهم ورزش جهان، کمترین دغدغه مدیریت شهری بوده است. تنها نمادی که اکنون در سطح شهر تهران دیده شده، کاپ جام جهانی بود که در میدان آزادی نصب نشده است. در نهایت به نظر می‌رسد احتیاج به یک تغییر و بازنگری نسبت به اتفاقات ملی در سطح شهر داریم. اگر شهر از آن مردم است، هر رویداد مهم ملی و جهانی باید با اهمیت است و باید نمادهایی از آن را مورد توجه قرار دهیم و راهی برای ایجاد ارتباط و همدلی برقرار کنیم. شاید اگر می‌توانستیم کارناوال‌هایی برای بدرقه بازیکنانمان داشته باشیم، شاید اگر تلویزیون‌های بزرگ در سطح شهر برای نمایش فوتبال قرار می‌دادیم و حضور جمعی شهروندان برای تماشاى مسابقات ملی را در میدان و ورزشگاه‌ها ممکن می‌کردیم، فرصت‌های بیشتری برای هویت ملی فراهم می‌شد. شاید می‌توانستیم از این فرصت همدلی برای گذر از این بحرانی که درگیرش هستیم، به نحو بهتری سود ببریم. رویدادهای ملی و جهانی قادر هستند به دلیل حس همبستگی مشترک میان مردم، فرصتی برای تعامل میان مردم و حاکمیت ایجاد کنند تا بستری برای گشایش ارتباط و باورپذیری مطالبات مردم فراهم آورند. به‌ویژه در شرایطی که بسیاری در تلاش بودند تا تیم ملی ایران نتواند در جام جهانی شرکت کند، بی‌توجهی نمایندگان شهری به این قضیه دامن زده است و با این عدم توجه به نظر می‌رسد مدیران هم تمایلی به حضور تیم ملی در جام جهانی ندارند. درحالی‌که این جوانان نمایندگان کشورمان و مردمان هستند و توانستند در این رقابت جهانی جمعی و ملی حضور داشته باشند. از سوی دیگر توجه به این رویداد فرصتی است برای پاسخ‌گویی مسئولان و برنامه‌ریزان به خواسته‌ها و اعتراضات مردمی و کاهش التهابات اجتماعی و پاسخ‌گویی به مطالبات شهروندان. فرصت خوبی است برای اینکه روحیه ملی را در قالب پاسخ‌گویی به خواسته‌های معترضان افزایش دهیم و فرصتی در برای رفع ناتفاهم‌ها و ناتوانی‌ها فراهم خواهد کرد. وقتی مردم در نقاطی اشتراک و انسجام دارند، قادرند باب گفت‌وگو را با هم باز کنند و فرصت دیده‌شدن و دیدن را ایجاد کنند. اگر مدیریت شهری از این رویداد بهره بگیرد و شرایطی را فراهم کند تا مردم در آن مشارکت کنند، شهر را به دست مردم بدهد تا بتوانند با استفاده از ظرفیت‌های خودشان جام جهانی را در شهرها و محلات تعریف کنند، بستری برای کاهش خشونت و گفت‌وگو باز می‌شود. مدیریت شهری می‌تواند از این فرصت بهره بگیرد و درهای تعامل را با معترضان و آسیب‌دیدگان باز کند تا شهر رنگ تازه‌ای بگیرد. تصویرگری از اسطوره‌های فوتبال ایران و جهان و زنان فوتبالیست‌ها در این رویداد فرصتی دوباره است. البته مطالبات مردم بیش از این موارد است، اما شاید بتواند راه گفت‌وگو را باز کند البته به شرط آنکه بخواهیم.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۱ • ۱۷ ربيع‌الثانی ۱۴۴۴ • ۱۲ نوامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۱۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۱۹
اذان صبح فردا ۵:۱۱ • طلوع آفتاب ۶:۳۸

# سرتق

**فوری - دیوید آبر- ۲۰۱۸**

وارددی (براد بیت): آرمان‌ها صلح آمیزند. تاریخ، خشونت‌باره. یادت باشه زندگی مثل جنگ می‌مونه؛ یا باید به بار بجنگی یا تا آخر عمر مجبوری فرار کنی!

و تو آگه واسه چیزی که می‌خوای نمی‌جنگی، برای چیزی که از دست می‌دی گریه نکن!

فراموش نکن در جهان در مقابل تمام مشکلات تنها هستی و هیچ‌کس حتی عزیزترین کسانت به کمکت نمی‌آیند!

**دیالوگ روز**

# آمارها درباره حجاب چه می‌گویند

یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در موضوع حجاب نگاه مردم به این موضوع است. هفته گذشته برخی نشریات با اعلام اینکه ۸۳ درصد ایرانیان به حجاب اعتقاد دارند و ۷۰ درصد حتی در میهمانی خانوادگی نیز روسری خود را حفظ می‌کنند، معتقدند برداشتن روسری به جایی نمی‌رسد و بحث حجاب در ایران نمی‌تواند دستمایه شورش شود و یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف دشمن در آشوب اخیر این بود که از حجاب شروع کرد. این نشریات منبع خود را اعلام نکرده‌اند و نوشته‌اند که این نظرسنجی در چه تاریخی و از سوی چه نهادی انجام شده است؛ اما نظرسنجی‌های رسمی دیگری نیز نشان می‌دهند که اکثریت ایرانیان اعم از مرد و زن به حجاب اعتقاد دارند ولی اعتقادداشتن به حجاب به معنای پذیرش اجبار در حجاب نیست. اگر همین نظرسنجی‌های رسمی را که برخی از آنان منتشر شده است، ملاک قرار بگیریم، اکثریت ایرانیان ضمن اینکه خود معتقد به حجاب هستند، علاقه‌ای به اجباری‌بودن حجاب ندارند. در ماه‌های اخیر در برخی از کارزارهای مرتبط به حجاب، افراد محجبه مخالفت خود را با اجباری‌بودن حجاب نشان داده‌اند.

معمولاً در نظرسنجی‌های مربوط به حجاب بین شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها تفاوت‌هایی وجود دارد. در شهرهایی مثل رشت و تهران تعداد کسانی که به حجاب اعتقاد ندارند، بیشتر است و در روستاها برعکس. همچنین در گروه‌های سنی نیز تفاوت وجود دارد؛ یعنی هرچه سن پایین‌تر باید، گرایش به حجاب کمتر و هرچه سن بالاتر می‌رود گرایش به حجاب بیشتر است. برای همین سال به سال با خروج جمعیت مسن از دایره جمعیت و ورود نسل جوان این آمارها تغییر می‌کند. گذشته از این در تعریف حجاب هم اختلاف نظر وجود دارد و مردم وقتی با چنین پرسشی روبه‌رو می‌شوند، این اختلاف‌نظرها در نظر گرفته نمی‌شود.
بالین‌حال، بخش بزرگی از مردم فکر می‌کنند (سال ۹۷ بیش از ۳۵ درصد مردم) آدم می‌تواند مسلمان باشد، اما حجاب نداشته باشد. قطعاً این آمار در سال جاری متفاوت شده است. در همان سال، ۶۵ و ۷۰ درصد مردم ضمن اینکه معتقد به حجاب بودند، کاری به بدحجاب نداشتند و درصد کمی معتقد بودند که باید با بدحجاب و بی‌حجاب برخورد شود. محمود کریمی در تاریخ ۲۲ مهر ۱۴۰۱ در حشش میلا میامبر(ص) در تجمع میدان ولیعصر سخنانی درباره حجاب بیان کرد که به‌شدت مورد استقبال مردمی قرار گرفت که علی‌القاعده خود باید مدافعان حجاب باشند. او گفت: «در موضع بی‌حجابی من یک قدم فراتر از حضرت آقا نرفتم، بی‌ادبی هم به هیچ‌کس نکردم تو هیئت، گفتم می‌ای موهاشون معلومه، گفتم چه کار دارید در خونه امام حسین(ع) می‌آیند. من بی‌حجابی را دوست ندارم، اما وقتی مهمون است، وقتی تو این جبهه است تو این کشور است…» اشاره او به حجاب و استقبال حاضران مردمی که علی‌القاعده باید مدافعان حجاب باشند، در ذهن‌ها هست، هرچند این سخنان از سواوسیا حذف شد.

**حجاب فقهی**

حجاب اکنون به یکی از چالش‌های جدی این روزها تبدیل شده است و به نظر می‌رسد نمی‌توان این موضوع را با ارجاع به برخی از نظرسنجی‌ها و تفسیرهای خاص از آنها و طبق برخوردهای گذشته تفسیر کرد.

شاید این مقطع پیچیده‌ترین مقطع تاریخی درباره پوشش و حجاب در ایران باشد. این مسئله همواره با تفسیرهای مختلفی روبه‌رو است؛ از یک سو موضوعی فقهی است که علما و روحانیون درباره آن بحث‌های مفصلی دارند و اختلاف نظر هم در آن زیاد است؛ چنان‌که در سال‌های اخیر برخی از مدافعان گذشته حجاب مثل مهدی نصیری نیز درباره این موضوع نوشته و گفته‌اند. از سوی دیگری بحثی تاریخی است که برخی از پژوهشگران با ارجاع موضوع به صدر اسلام مثل دوره پیامبر (ص) تلاش کرده‌اند نشان بدهند تصور از حجاب در آن دوران با دوران کنونی ما بسیار متفاوت است.

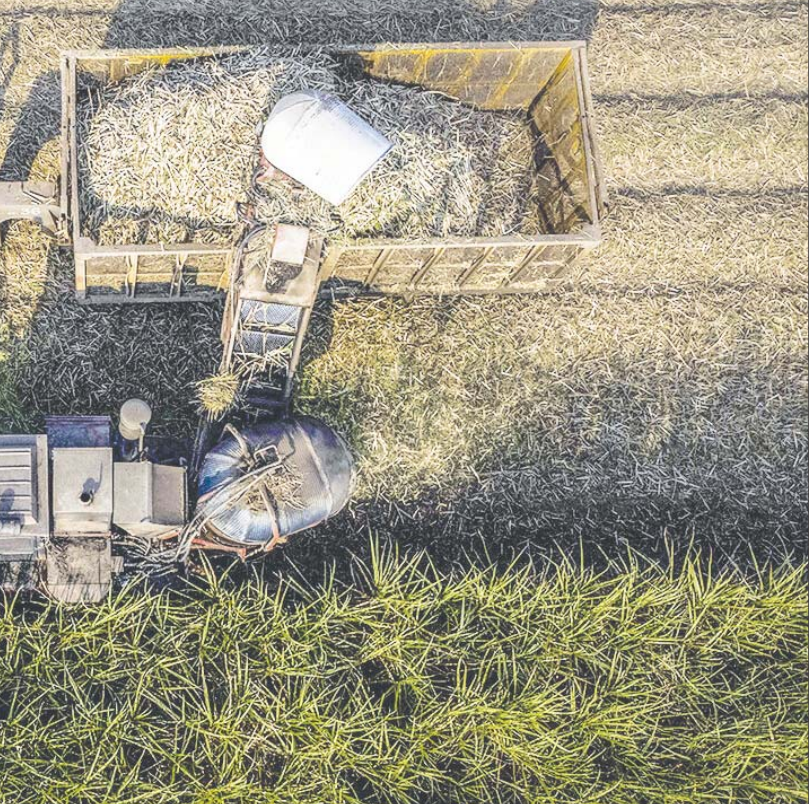
**حجاب قانونی**

از سویی دیگر بحثی قانونی است. بحث حجاب با اینکه از نخستین روزهای انقلاب اسلامی به موضوعی عمومی تبدیل شد، اما از سال ۱۳۶۲ به قوانین راه یافت. در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر

**مهاجر خوانی**

## حصار زنان افغانستان تنگ‌تر شد

شاید بهترین توصیف برای شرایط امروز افغانستان یادآوری این نکته باشد که «طالبان» از ایجاد یک حکومت فرایگر، پاسخ‌گو و مشروع ناتوان است و از سوی دیگر آنان برای رسیدگی به بحران‌های موجود هیچ راهکاری ندارند و فقط حقوق زنان و دختران را نقض می‌کنند. طالبان در حالی که اجازه ورود زنان را به پارک‌ها نپذیرده است، در عین حال دستور داده به بهانه تأمین امنیت بیش از دو هزار دوربین مداربسته به هزینه مردم در کابل نصب شود. از نظر سخنگوی پلیس «مصارف نصب دوربین‌ها کم است و فایده آن زیاد». قرار است تعداد دوربین‌ها را در هر منطقه کابل و هر خانه گسترش دهند؛ به‌طوری‌که هر خانه دو سه‌طبقه مجبور است دوربین نصب کند. این دوربین‌های مداربسته در پارک‌های تفریحی و ساختمان‌های بزرگ نصب می‌شوند تا به تأمین امنیت کمک کنند. از سویی دیگر نقض حقوق زنان به شکل‌های گوناگون ادامه دارد. «بلال کریمی»، معاون سخنگوی طالبان، در مصاحبه با رویترز تأیید کرده است در ادامه محدودیت‌های جدید برای زنان، روز آنان به پارک‌های تفریحی نیز ممنوع شد و وزارت امر به معروف طالبان در یک دستور شفاهی، روز زنان به پارک‌ها و اماکن تفریحی در سراسر



• برداشت نیشکر هر ساله از اوایل آبان در مزارع خوزستان آغاز می‌شود و در صورت شرایط مناسب آب و هوایی تا پایان اسفندماه ادامه خواهد داشت.
الکل، خمیرمایه، نئوپان، ام‌دی اف، خوراک دام، کاغذ و… از فرآورده‌های نیشکر هستند.
عکس: علی معرف، ایرنا

#### یاد

## این طور نیست بچه‌ها؟!!

به مناسبت دومین سال یاد زنده‌یاد استاد فریحی

**رضا عطایی:**\* در زبان فارسی امروزمان، استعمال واژه‌ها به تعبیر رایج کوچک‌بازاری، قدری حالت «کلیویی» به خود گرفته است؛ و به تعبیری، واژگان بار معنایی و ارزشی خود را از دست داده‌اند. نوشته پیش‌روی سیاه‌مشق شاکرادی است که می‌خواهد از فقدان و فراق عزیز سفرکرده‌ای، حکایت و شکایت کند که الف قد و قامت «استاد»، زیننده ایشان بوده، هست و خواهد بود. «فریحی» استادمان بود؛ نه به معنای رایج آکادمیک و رتبه‌بندی دانشگاهی که ایشان صرفاً «استادتمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران» باشند، بلکه همان‌طور که استاد فرزانه دیگرمان، «دکتر سیدعسکر موسوی» همواره خویش را بدون تعارف و بدون تواضع «یک دانشجوی ناتمام» می‌دانند و معرفی می‌کنند، روش و منش علمی استادفریحی «استاد فریحی» هم برای کسانی که ولو یک‌بار با ایشان ملاقات کرده باشند، به همین فرموده استاد موسوی درباره شخصیت استاد فریحی می‌رسد. «فریحی» استادمان بود؛ نه به این معنا که استاد به‌روزی بودند و جزوه و مطالب درس و کلاس‌شان هر ترم نسبت به ترم پیش تفاوت کمی و کیفی بسیار داشت؛ استادمان بود، چراکه در وجود ایشان، کم‌شده خویش را می‌یافتیم که چگونه باید باشیم.

در این دو سال، بسیاری از اندیشمندان و بزرگان از جایگاه علمی و نظام فکری استادفریحی سخن گفته‌اند که برای اهلسش معلوم می‌شود از لحاظ علمی چه شخصیت کم‌نظیری از میان ما رفته است. اما این شاکردی می‌مایه استاد، فقط یک حسرت دارد، چه می‌شود یک بار دیگر ایستادن، نشستن، خندیدن، سکوت، سخن‌گفتن و راه‌فتن استادش را بچشد. این چند جمله از خاطراتم هم باشد درددلی با استاد فریحی؛ آن هم در شرایط و روزگاری که فقدان وجودشان بیش از پیش برای ما نمایان است:

استادا! یادتان هست؛ حضور و غیاب نداشتید و فقط بعضی از جلسات را در طول ترم حضور و غیاب می‌کردید تا دست بچه‌هایی که از عمد غایب می‌شوند، رو شود. از یاد نمی‌برم؛ بعضی از بچه‌های کلاس که به زعم‌شان خیلی باسواد بودند و «توهم دانایی» داشتند و بعضاً تعصب و جهل‌شان اجازه نمی‌داد اندیشه‌ها و صحبت‌هایتان را درک کنی؛ اما با تندخویی واکنش نشان می‌دادند و کلاس را به حاشیه و مجادله می‌کشاندند؛ اما شما با لبخندی که هیچ‌گاه از گوشه لبان‌تان محو نمی‌شد، بحث را این‌گونه خاتمه می‌دادید که: «این هم نظری است». فراموش نمی‌کنم؛ هیچ ابایی از این نداشتید که در جواب سؤالات بگویید «نمی‌دانم… این مورد و موضوع را باید بررسی کنم». همین مهر ۹۷ بود، تازه چند ترمی شده بود که سرفصل برخی از دروس کارشناسی علوم سیاسی با لوای اسلامیزه‌شدن عوض شده بود و من که از مهر ۹۴ با شما آشنا بودم، شک نداشتم که استاد فرزانه‌ای همچون شما درس اندیشه را اندیشه‌وار تدریس خواهد کرد، حتی در هر قالب و لوای تحمیل شده‌ای که باشد. مهر ۹۸ بود و آخرین ترم کلاس حضوری‌تان در دانشکده؛ بعد از درسی که با جدیدالورودی‌ها داشتید، در مسیر ساختمان قدیم و ساختمان جدید دانشکده، از اندیشه آیت‌الله العظمی فیاض به عنوان یک مرجع تقلید افغانستانی مقیم نجف پرسیدم. فرمودید: انسان لایقی هستند، اما جو و فضای سنتی نجف سبب می‌شود آن‌چنان به‌روز موضوعات را نبینند. در خاطر دارید با توجه به شرایط کشور در جلسه‌ای به دانش‌جویان گفتید وظیفه من و شما این نیست که به خیابان باییم تا حاکمی را پابین بیاوریم یا حاکمی را بالا ببریم؛ وظیفه ما این است که قواعد و مکانیسمی را تعریف کنیم تا آن قواعد و مکانیسم افراد را بالا و پایین ببرد. استاد! بیادش بخیر؛ جین درس‌دادن تکیه‌کلام‌تان این بود که بعد از اتمام هر موضوع می‌فرمودید: «این‌طور نیست بچه‌ها؟! تونس‌تم چیزی یادتون بدم؟!»؛ بله؛ همین‌طور است! استاد! شما به ما در س‌های زیادی آموختید، اما مردا و دریغا که درس «قدر استاد نکو دانستن» را ناگفته، رفتید.

✽ دانشجوی مهاجر افغانستانی و کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

نداشتند در استخرهای عمومی با مایو کوتاه حضور یابند و باید از تینان‌های محلی که از فورتا با تا کمر را می‌پوشاند، استفاده کنند؛ چراکه «برهنه»بودن مردان هم مجوز شرعی ندارد.

اما شاید این روزها مهم‌ترین مسئله تحصیل زنان باشد. چند روز پیش جهلم قربانیان مرکز آموزشی کاج برگزار شد و دانش‌آموزان زخمی در کنکور شرکت کردند و شمار زیادی از آنان توانستند به دانشگاه راه پیدا کردند. آموزشگاه کاج در منطقه هزاره‌نشین غرب کابل، روز هشتم مهر، هدف حمله مرگبار انتحاری قرار گرفت. در این حادثه حدود ۶۰ دانش‌آموز، اغلب دختر، کشته و بیش از صد نفر دیگر زخمی شدند. یکی از آن دختران اینک هم گوش و هم چشم خود را از دست داده است. رسانه‌ها اعلام کردند در آزمون کنکور سراسری امسال افغانستان که یک سال پس از ممنوعیت ادامه تحصیل دوره متوسطه و دبیرستانی دختران برگزار شد، دختران کمتری شرکت کردند. در فهرست ۱۰ نفر برتر کنکور امسال نیز برخلاف سال‌های پیش، نام هیچ دختری وجود نداشت. یک ماه پیش بود که نصیراحمد فائق، سرپرست نمایندگی افغانستان در سازمان ملل متحد در نیویورک، در نشست شورای حقوق بشر این

افغانستان را قدغن کرد. این محدودیت‌ها عبارت‌اند از بسته‌شدن حمام‌های عمومی زنانه، منع ورود به پارک‌های تفریحی، چه انفرادی و چه با خانواده و حتی منع استفاده از باشگاه‌های ورزشی ویژه زنان. به گزارش رسانه‌ها، طالبان جلوی پارک‌های ایستند و به زنان اجازه نمی‌دهند به پارک وارد شوند. پیش‌تر زنان می‌توانستند دو روز در هفته بدون مردان به پارک بروند، اما اکنون درهای اماکن تفریحی کاملاً به روی زنان و به تبع آنان فرزندانشان بسته شده است. در حالی که قبلاً استفاده از پارک‌ها در روزهای هفته میان زنان و مردان تقسیم شده بود. طالبان قراری برای پاسخ‌گویی ندارند و در حال حاضر توضیح بیشتری نداده‌اند که منظورشان از «فراهم‌شدن شرایط مناسب» برای اینکه این مکان‌ها به روی زنان باز شود چه زمانی خواهد بود. البته برخی دستورها معلوم نیست از چه جهت داده می‌شود؛ مثلاً اینکه در ۱۶ آبان، به دستور مأموران امر به معروف و نهی از منکر طالبان، تمامی حمام‌های زنانه در استان بادغیس تعطیل شدند و دیگر حق فعالیت ندارند و پس از این نباید زنان را در حمام‌ها پذیرند. البته برای مردان پیش‌تر محدودیت گذاشته شده بود؛ به‌طوری‌که بر اساس دستور طالبان، مردان حق

سازمان گفت: «در بیش از یک سال سلطه طالبان بر افغانستان، در این کشور آبارتایید جنسیتی (تجرید جنسی) جریان دارد و طالبان با صدور فرمان‌های محدودکننده برای حذف زنان از صحنه جامعه و فعالیت‌های اجتماعی تلاش می‌کنند». این در حالی است که جهان در برابر دفاع مردم افغانستان در برابر ظلم‌های طالبان ناتوان است. حتی تلاش‌هایی که سازمان ملل انجام می‌دهد، با موافقت همه کشورها روبه‌رو نمی‌شود. نمونه آن عدم حمایت تمام کشورها از مصوبه جدید سازمان ملل متحد در به رسمیت نشناختن طالبان به عنوان یک «دولت» است. بر اساس این قطع‌نامه، گروه طالبان به نقض حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان و دختران، ناتوانی از تشکیل یک دولت فراگیر و فروبردن افغانستان به باتلاق شرایط وخیم اقتصادی، انسانی و اجتماعی و اعمال خشونت شدید علیه مردم متهم شده است. هرچند ناظران امیدوار بودند همه اعضای مجمع عمومی که شامل ۱۹۳ کشور جهان است به آن رای مثبت بدهند، اما فقط ۱۱۶ کشور به آن رای مثبت دادند. شاید تنها نکته امیدوارکننده درباره این قطع‌نامه این باشد که هرچند آرام‌آور نیست، اما نشان‌دهنده اجماع جهانی در مورد یک مسئله است.